

ناتو و امنیت منطقه دریای مازندران*

این کتاب از سوی مؤسسه رند به چاپ رسیده و ابعاد امنیتی منطقه دریای مازندران را برای ناتو و غرب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. خلاصه مطالبی که در هفت فصل کتاب طرح شده، به شرح زیر می‌باشد:

در طول جنگ سرد، علایق امنیتی ناتو تقریباً به گونه‌ای انحصاری بر جبهه مرکزی اروپا متمرکز بود. سایر مناطق، اهمیت کمتری داشتند و بویژه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، به عنوان مناطق دورافتاده اتحاد شوروی در نظر گرفته می‌شدند.

از اواسط دهه ۱۹۹۰، تغییر مهمی در تصور و تصویر غرب از منطقه دریای مازندران و آسیای مرکزی حادث شد؛ علایق غرب اساساً افزایش یافت؛ تا حد زیادی به سبب تمایل به استخراج منابع نفت و گاز، حضور و سرمایه‌گذاری مالی سریع شرکت‌های نفتی غرب در حوزه مازندران گسترش پیدا کرد؛ و این برداشت افزایش یافت که بی‌ثباتی و مناقشه در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی می‌تواند موجب پیامدهای ژئوپولیتیک در سطحی وسیعتر باشد. ناتو از رهگذر برنامه "مشارکت برای صلح"، تماسها و ارتباطات نظامی خود را با چندین دولت منطقه مازندران گسترش داده‌است و همراه با اصلاح نیروهای نظامی این کشورها، نقش فزاینده‌ای را در کمک به آنها، از جمله اخیراً در ترکمنستان ایفا می‌کند. رهبران دولتهای مازندران مسافرت‌های مرتب و منظمی به واشنگتن و سایر پایتخت‌های غربی دارند؛ جایی که از آنها استقبال باشکوه می‌شود؛

* Richard Sokolosky, *NATO and Caspian Security*, (U.S., RAND, 1999).

رهبران همه کشورهای جنوب شوروی سابق در ماه آوریل در پنجاهمین نشست دوره‌ای ناتو در واشنگتن حضور یافتند. بواقع این جهت‌گیری به میزان زیادی در مقابل گرایش برخی از ناظران قرار گرفته است که هم‌اکنون حوزه دریای مازندران را به عنوان یک منطقه منافع حیاتی امریکا و غرب توصیف می‌کنند و انرژی بالقوه آن را در سطح واحدی همچون انرژی خلیج فارس قرار می‌دهند.

تأکید بر طیف وسیعتری از تهدیدها به جای تأکید بر مأموریت دفاع سرزمینی در جنگ سرد، آگاهی فزاینده‌ای را منعکس می‌سازد که مناقشه و عدم ثبات در مرزهای ناتو و فراتر از آن، بیانگر جدیدترین چالشها نسبت به منافع امنیتی پیمان در محیط امنیتی پس از جنگ سرد است. بواقع، این جهت‌گیری برون‌نگر نگاه به خارج، می‌تواند توجیه کننده بیانیه دبیرکل ناتو، خاویر سولانا در فوریه ۱۹۹۷ باشد که «اگر که کشورهای قفقاز خارج از حوزه امنیت اروپا باقی بمانند، اروپا کاملاً در امنیت نخواهد بود». مهمتر اینکه، مذافع و نگرانیهای اتحادیه در طراحی ثبات پیرامونی ناتو، در مفهوم استراتژیکی جدید اتحادیه انعکاس یافته است. این کلام در باره مأموریتها و نقشهای ناتو، که در نشست آوریل ۱۹۹۹ واشنگتن تأکید شد، هدف ناتو در عصر پس از جنگ سرد را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که براساس آن، ثبات و امنیت به سراسر منطقه یورو - آتلانتیک توسعه می‌یابد. افزون بر این، این مفهوم استراتژیکی تأیید می‌کند که نیل به این هدف ممکن است به نحو نامطلوبی بر اثر تحولات حاشیه این منطقه، تحت تأثیر قرار گیرد.

تحول و دگرگونی استراتژیک ناتو، محیط ژئوپولیتیکی متحول در حوزه مازندران و نمای کشورهای آن منطقه به انکار بر ناتو جهت توازن با روسیه، این مسئله را طرح می‌کند که آیا منافع امنیتی غرب برای توجیه تعهد و درگیری نظامی ناتو در این منطقه از اهمیت کافی برخوردار است و در صورتی که اهمیت لازم را داشته باشد، این مداخله به چه شکلی باید صورت پذیرد. هم به دلایل ژئوپولیتیکی و هم از جهت امنیت انرژی، غرب سرمایه‌گذاری فزاینده و محسوسی در ایجاد امنیت منطقه مازندران، و نیز ثبات، حاکمیت و استقلال دولتهای جدیدی که از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در دهه حاضر پدید آمده‌اند، داشته است. مناقشه و بی‌نظمی در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی، به علت جابجایی که در قلب اوراسیا دارد، می‌تواند تهدید کننده ثبات و امنیت مناطق اطراف،

از جمله ترکیه به عنوان عضو ناتو باشد و بر تحولات داخلی و صف آرایی ژئوپولیتیکی خارجی کشورهای مهمی همچون روسیه، چین، ترکیه، ایران، پاکستان، هند و افغانستان تأثیر بگذارد.

تحولات حوزه مازندران احتمالاً بیانگر آزمایش جدی توانایی غرب و ناتو در برقراری دستور امنیتی بزرگتر آنهاست. جمهوریهای نوین مستقر در کنار مرزهای جنوبی روسیه، به صورت بالقوه ضعیف و بی ثبات اند. در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده، دولت‌های مازندران با تهدیدهای درون منطقه‌ای و داخلی جدی نسبت به امنیت و ثباتشان مواجه خواهند شد. این تهدیدها شامل موارد زیر است: اختلافات منطقه‌ای، قبیله‌ای، نژادی و طایفه‌ای؛ فقر و مشقت اقتصادی شدید؛ اختلافات فزاینده در توزیع درآمد، نهادهای سیاسی، جوامع مدنی و هویت‌های ملی خام و بی تجربه؛ خرابیهای زیست محیطی؛ سرکوبی و ستم سیاسی، فقدان مکانیسمهای عملی برای انتقال قانونمند قدرت؛ رشد سریع جمعیت، مناقشات و تعارضات نسبت به زمین، آب و منابع معدنی و انرژی؛ تجزیه طلبیهای نژادی، فساد و ارتشای فراگیر، جنایت و پارتی بازی، و تقریباً اختلال کامل در ارائه خدمات اجتماعی اساسی.

تا حدی که مطابق با علایق و منافع معمولی غرب در این منطقه باشد، ناتو می‌تواند و باید دخالتش را در آنجا افزایش دهد و استراتژی درازمدت جامعی را در جهت ترویج و تشویق توسعه اقتصادی و دموکراتیک، و از بین بردن ریشه‌های مناقشه و عدم ثبات، تنظیم و اجرا کند. عناصر اصلی چنین استراتژی به شرح زیر است:

* حمایت مستمر مالی و سیاسی غرب برای ایجاد خطوط متعدد و چندگانه انتقال منابع نفت و گاز مازندران؛

* کمک فزاینده به دولت‌های مازندران برای ترویج و تشویق اصلاحات دموکراتیک و بازار آزاد؛ احترام به حقوق اقلیتها و حکومت قانون؛ بهبود و اصلاح بهداشت عمومی، آموزش، تنظیم خانواده و افزایش توانمندیها جهت مبارزه با حمل و نقل مواد مخدر، کنترل مرزها و سرحدات نفوذپذیر؛ مدیریت مسائل پناهندگی، واکنش به بلاهای طبیعی و جبران و ترمیم خسارت اکولوژیکی و زیست محیطی؛

* حمایت بیشتر اروپا و امریکا از سازمان امنیت و همکاری اروپا و تلاشهای ملل

متحد در جلوگیری و حل و فصل مناقشات سرزمینی و نژادی در منطقه؛ و
 * تأکید فزاینده بر برنامه‌ها و منابع ازبکستان، آذربایجان، قزاقستان؛ سه کشور با
 بزرگترین قابلیت و توانمندی تأثیرگذاری بر پویاها و تحولات منطقه‌ای.
 از دید مؤلف چند اصل کلیدی به عنوان راهنمای توسعه و ارائه یک نقشه عملی
 برای ناتو در منطقه پدیدار می‌شود:

* جدیترین تهدیدهای ناظر بر امنیت و ثبات دولتهای مازندران، داخلی هستند.
 بنابراین سیاست و خط‌مشی غرب باید بر حل چالشهای اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی
 متمرکز باشد که ممکن است به بی‌ثباتی و مناقشات داخلی منجر شود.
 * بیشترین ابزارهای نظامی مربوط به ناتو در منطقه، کمکهای مشورتی، آموزشی،
 مشاوره در کمک به تأسیسات نظامی دولتهای مازندران برای بازسازی در جهت خطوط
 و الگوهای غربی خواهد بود.

منابع ایالات متحده، غرب و ناتو محدود هستند. اهداف و مقاصد غرب برای منطقه
 باید کاملاً معمولی و معقول باشد.

* اگر چه روسیه ضعیف، و در کل منطقه مشکوک است، مع‌هذا احتمالاً به عنوان
 یک قدرت ذی‌نفوذ باقی می‌ماند و در برخی موارد، برای مدت زمانی قدرت مسلط
 مازندران است. از این رو، منافع مشروع آن کشور در امنیت و ثبات باید به موازات
 مرزهایش مورد توجه قرار گیرد. اما روسیه باید بپذیرد که ایجاد ثبات، ثروت، و دولتهای
 مستقر در کنار و به موازات پیرامونش، در حوزه منافع آن کشور قرار دارد.

* با در نظر داشتن اولویتهای برتر، و تعهدات ایالات متحده و متحدان در سایر مناطق
 جهان، این اتحادیه باید از ایجاد انتظارات در میان دولتهای مازندران جلوگیری کند؛ چرا
 که منافع ناتو بسیار مهمتر از آن است که تضمینهای امنیتی را در برابر روسیه توسعه دهد.
 ناتو احتمالاً برای عمل به چنین تعهداتی آماده نیست.

اگر این ملاحظات مورد توجه قرار گیرد، محیط امنیتی در حال ظهور در آسیای
 مرکزی و قفقاز جنوبی احتمالاً در تعهدات امنیتی یا طرحهای نظامی، فعالیتها، نگرشها و
 وضعیت نیروهای ناتو تأثیر محدودی دارد. منافع مهم و فزاینده غرب در این منطقه -
 جلوگیری از ایجاد یک قدرت منطقه‌ای مسلط، حفظ دسترسی به انرژی، جلوگیری از

گسترش سلاحهای کشتار جمعی و جلوگیری از سرایت و گسترش مناقشه به کشورهای مهم - در محیط امنیتی جاری در خطر نیست.

به این دلیل که هیچ نقش مستقیمی برای نیروهای ناتو در اعمال واکنش به این تهدیدها و فرصتها در محیط امنیتی در حال تغییر مازندران در دهه آینده وجود ندارد؛ اتحادیه نیازمند آن نیست که با توجه به تحولات منطقه‌ای، تغییرات عمده‌ای در طراحی نیرو و یا ساختار آنها در نظر بگیرد. باید مضمّن بود که دخالت و درگیری زامن صلح ناتو (برای مثال تمرینهای آموزشی، آمادگی نظامی، تماسهای ارتش با ارتش و ...) در اثبات منافع غرب، تقویت استقلال دولتهای مازندران و تشویق و ترغیب همکاری منطقه‌ای، ارزش دارد.

با این توصیف، این احتمال و امکان نمی‌تواند نادیده گرفته شود که روسیه می‌تواند در مازندران وجهه و نقش حافظ صلح کسب کند، و با همراهی سایر سازمانها از جمله ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو برخی از این مسئولیتها را به عهده گیرد. خلاصه اینکه ناتو برای طرح نفوذ در این منطقه و حل مشکلترین چالشهایی که دولتهای مازندران با آن دست به گریباندند، با محدودیتهای جدی در توانایی خود مواجه است. اهداف کلیدی و عمده خط‌مشی غرب باید تشویق اصلاح دموکراتیک، اقتصاد بازار و دولت‌سازی مساعدت در کاهش عوامل و ریشه‌های مناقشه و بی‌ثباتی باشد. بسادگی خاطر نشان می‌گردد که منافع ناتو در مازندران و تهدیدها نسبت به آن منافع، با بلندپروازی اتحادیه در اعمال نقش امنیتی عمده در منطقه، هماهنگی و تناسب ندارد. به این علت که اتحادیه فاقد منافع جمعی اراده، توانمندیها و منابع لازم برای پذیرش مسئولیت امنیت مازندران به جای ناتو است، یک ائتلافی از کشورهای متمایل به پذیرش این مسئولیت به رهبری امریکا تا ناتو، باید مسئولیت اولیه تضمین اهداف غرب در منطقه را، به عهده گیرد.

در پرتو این ملاحظات، و اولویتهای جدیتر این اتحادیه در مناطق شرقی و جنوبی نزدیک به آن، درگیری در حال گسترش ناتو در منطقه مازندران، نباید اولویتهای بالایی بر حسب منابع، برنامه‌ریزی یا نیروها داشته باشد. نظر به منافع محدود و نفوذ غرب در این منطقه و خطرات توسعه بیش از حد ناتو، اتحادیه در حالی که از تعهدات جدید و

مسئولیت‌های امنیتی در منطقه‌ی مازندران نیز خودداری می‌ورزد باید کمک‌های نظامی خود را به نالاشهایی درخصوص تشویق بازسازی و آموزش اختصاص دهد.

لازم به توضیح است که این کتاب توسط پژوهشکده علوم دفاعی ترجمه و بزودی به بازار کتاب عرضه خواهد گردید.

گروه روابط بین‌الملل

اقتصاد صنایع دفاعی

کتاب مذکور به کوشش آقای حسین درّی با همکاری تنی چند از محققین در قطع وزیر، در ۴۵۲ صفحه در بهار سال ۱۳۷۸ توسط پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) منتشر شده است.

این کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار و ۱۲ فصل است که هر فصل نیز دارای مقدمه‌ای کوتاه می‌باشد. فصول اول تا پنجم، و فصل دهم توسط آقای محمود نظری، فصول هفتم تا نهم، توسط آقای سعید شیخانی، فصول یازدهم و دوازدهم، توسط آقای نعمت فلیحی، و فصل ششم توسط آقای حسین بازمحمدی نوشته شده است. در مجموع می‌توان سه بخش اصلی را در این کتاب مشاهده نمود. بخش اول که شامل فصول اول تا پنجم می‌باشد، نظریه اقتصاد صنایع و جایگاه صنایع دفاعی قرار گرفته، و با ارائه مبانی نظری، آگاهی‌هایی در زمینه چگونگی تحلیل اقتصادی صنعت، و بویژه در قلمرو صنعت دفاعی ارائه شده است. بخش دوم که فصول ششم تا نهم را به خود اختصاص داده، به نحوه سیاست‌گذاری در عرصه صنایع دفاعی پرداخته است. بخش سوم به بحث پیرامون تأمین تسلیحات می‌پردازد، و بازارهای بین‌المللی، ویژگیها، و فرایندهای تأمین و تدارک تسلیحات را معرفی می‌نماید.

فصل اول کتاب اقتصاد صنایع دفاعی به معرفی شاخه اقتصاد صنایع، و بررسی